

نگاه

حزب جمهوری خواه ترسناک می شود

- هم‌زمان با رای‌گیری برای آغاز استیضاح در مجلس نمایندگان آمریکا، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، در کارولینای شمالی گردهمایی انتخاباتی برگزار کرده بود. او در سخنرانی‌اش بار دیگر به چهار نماینده مجلس تاخت و شدیدترین حمله‌هایش را متوجه ایلهان عمر، نماینده سوماتالیایی‌تبار، کرد. جمعیت در واکنش شعار می‌دادند: «او را پس بفرست!». «به‌کشورتان بازگردید»؛ یکی از روزمره‌ترین ناسزاها ی‌زادپرستانه است و مهاجران زیادی در خیابان تجربه‌اش می‌کنند.

ترامپ پنجشنبه گذشته سعی کرد از این شعار فاصله بگیرد و گفت: «ارش خوشحال نبوده». هر چند وقتی جمعیت این شعار را می‌داد، ترامپ هیچ واکنشی نشان نداد و سکوت کرد.تحولی که ترامپ در آرایش نیروهای حزب جمهوری‌خواه انجام داد، پلی بود که بین دو جناح تندرو اما متضاد این حزب برقرار کرد: آلترایت و نتوکان‌های مسیحی. آلترایت یا راست آلترناتیو نام خوش‌آهنگ‌تری برای راست‌های افراطی و نتونازی‌ها است و بارزترین رسانه آن هم «برایت‌بارت نیوز» آن هم زمانی که استیو بنی، نخستین استرانیست ارشد ترامپ، هدایتش می‌کرد. کسانی همچون تاکر کارلسون و لورا اینگرهام، مجریان فاکس‌نیوز که بارها به نژادپرستی متهم شده‌اند، نیز چهره‌های محبوب آلترایت هستند.نومحافظه‌کاری مسیحی نیز در سه‌گانه مایک پنس، مایک پمپئو و جان بولتون تجلی یافته و با نولیبرالیسم، ارتجاع فرهنگی و جنگ‌طلبی گره خورده است. اما نتوکان‌های افراطی بخشی از جریان غالب حزب بوده‌اند و در دوره دوم ریاست‌جمهوری جورج دبلیو بوش و پس از رسوایی‌های مربوط به جنگ عراق از خانواده بوش، نماد بارز جریان نتوکان به‌تدریج فاصله گرفتند. پدیده ترامپ این شکاف را گسترده‌تر و نتوکان‌های تندروتر و سرمایه‌های مالی و نمادین آنها در سیاست آمریکا را جذب خود کرد.هرچند آلترایت، با رئیس‌جمهورشدن ترامپ قدرت بیشتری گرفت، یک جریان غالب سیاسی در حزب جمهوری‌خواه نبود. آلترایت در واقع یک جریان غیررسمی بود که با ترامپ به صحنه عمومی آمد و نتوکان‌ها را به دلیل «گلوبالیست»بودن و به راه‌انداختن «جنگ‌های بی‌پایان» در خاورمیانه سرزنش می‌کرد. آلترایت و دیگر انواع جریان‌های برتری‌طلبان سفیدپوست – که با جریان غالب سیاست در هر دو حزب مشکل داشتند ـ از ترامپ حمایت کردند. آنها همان پایگاه اجتماعی پرانرژی ترامپ هستند.به همین دلیل است که بنا بر آخر نظرسنجی روتیزز-ایپسوس، در چند روز سیری‌شده از توییت نژادپرستانه ترامپ، محبوبیت او بین جمهوری‌خواهان پنج درصد افزایش یافته و از ۶۸ به ۷۲ درصد رسیده است. این حمایت فزاینده از ترامپ باعث شده است جریان غالب حزب دموکرات نگران استیضاح او باشد و با آن مخالفت کند. جمهوری‌خواهان نیز دلیلی برای مخالفت با چنین موجی نمی‌بینند و بزرگ‌ترین بخت پیروزی در انتخابات آینده را پایگاه اجتماعی حامیان رئیس‌جمهوری می‌دانند. خود ترامپ نیز با آگاهی از این مسئله از توییت‌هایش عقب‌نشینی نکرده است.به همین دلیل، علی‌الحساب چشم‌اندازی برای استیضاح ترامپ وجود ندارد و بزرگ‌ترین عامل آن هم مسئله قدیمی و تنش‌آلود نژاد در آمریکاست.

پس دیگر تعجبی ندارد که رهبران جمهوری‌خواه در کنگره به حمایت از ترامپ برمی‌خورند و در بهترین حالت، از محکوم‌کردن او طفره می‌روند. در همه دیگر رسوایی‌های مالی و جنسی و قانونی، نمایندگان جمهوری‌خواه پشت رئیس‌جمهوری‌شان را خالی نکرده‌اند. آنها می‌گویند ترامپ نژادپرست نیست و به «صدآمریکایی»بودن چهار نماینده کنگره واکنش نشان داده است و حتی جریان غالب حزب جمهوری‌خواه نیز دیگر از سرمایه‌گذاری آشکار بر ناسیونالیسم سفید هراسی ندارد.یل کروگمن، اقتصاددان و ستون‌نویس نیویورک‌تایمز، این واقعیت را چنین تفسیر می‌کند: جمهوری‌خواهان دیگر ضرورت دورویی و تظاهر را کنار گذاشته‌اند. او سخنان لی آوتواتر، یک فعال سیاسی جمهوری‌خواه مشهور آمریکایی، را درباره سوءاستفاده این حزب از تنش‌های نژادی و بهرجه‌ردن از اشاره‌های تلویحی نژادپرستانه برای افزایش رای گواه می‌آورد: «۱۹۵۴ کار را با گفتن «کاکاسیه، کاکاسیه، کاکاسیه» شروع می‌کردی. اواخر دهه ۱۹۶۰، این کار به خودت آسیب می‌زد، نتیجه معکوس داشت. آن‌وقت باید از کلمه‌های دیگری مثل «اجار به اتوبوس‌سواری»، «حقوق ایالت‌ها»، و همه این چیزها استفاده می‌کردی و انتزاعی‌تر می‌شدی. حالا، از کاهش مالیات و اینها حریف برد زد. همه این چیزهایی که درباره‌اش حرف می‌زنی، کاملا اقتصادی است اما محصول فرعی‌اش این است که سیاه‌ها از آنها آسیب بیشتری خواهند خورد تا سفیدها».به قول کروگمن، دیگر دوران بازی با نشانه‌ها تمام شده و حزب جمهوری‌خواه به همان اصلش بازگشته است؛ به گفتن مستقیم و بی‌هراس «کاکاسیه، کاکاسیه، کاکاسیه» و باز به قول او، اینکه حزب جمهوری‌خواه ترامپ‌ست دیگر ضرورت ظاهرسازی برای رعایت برابری نژادی را رها کرده، «عمیقاً ترسناک» است و اما پرسش آخر این است: آیا ترامپ، شومن و دلال مسکن سابق، واقعاً نژادپرست است یا در حال بهره‌برداری از نژادپرستی؟ پاسخ بسیاری از منتقدان او به هر دو سؤال آری است.

واشنگتن دوباره توجه نظامی خود را به خاورمیانه معطوف کرده است. نظامیان آمریکایی ۱۶ سال پس از سقوط حکومت صدام در عراق، دوباره رهسپار عربستان می‌شوند و این‌بار دلیل اعزام صدها نظامی آمریکایی، نه تهدید از سوی عراق بلکه آن‌گونه که پنتاگون می‌گوید «مقابله با اقدامات خطرناک ایران در خاورمیانه و حمایت از متحدان واشگتن» است.

در هفته‌های اخیر، تنش در خلیج فارس میان ایران و ایالات متحده و متحدانش بالا گرفته است. روز پنجشنبه یک پهپاد که گفته می‌شود متعلق به ایران است، از سوی یک ناو آمریکایی هدف قرار گرفت و قبل از آن نیز ایران یک پهپاد آمریکایی را سرنگون کرده بود. روز جمعه نیز ایران اعلام کرد نفت‌کش بریتانیایی را به دلیل آنچه «عدم رعایت مقررات» خواند، توقیف کرده است. در چنین شرایطی، اعزام نظامیان آمریکایی به عربستان می‌تواند تنش در منطقه را افزایش دهد.

بازگرداندن نظامیان آمریکایی به عربستان، تازه‌ترین گام ایالات متحده برای مقابله با ایران محسوب می‌شود. واشنگتن در ماه‌های اخیر تعداد ناوهای خود را در منطقه افزایش داده و بمب‌افکن‌های بی-۵۲ را نیز روانه پایگاه‌های خود در خلیج‌فارس کرده است.

این نظامیان قرار است پس از ۱۶ سال دوباره در پایگاه هوایی شاهزاده سلطان مستقر شوند؛ این فرودگاه نظامی که در سال ۱۹۵۱ تأسیس شده، در شهر الخرج عربستان در ۱۵۰کیلومتری جنوب غرب ریاض قرار دارد و در زمان حمله آمریکا به عراق و فروپاشی حکومت صدام حسین، از مهم‌ترین پایگاه‌های استفاده‌شده از سوی نظامیان آمریکایی بود.

تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، برای اعزام بیش از ۵۰۰ نظامی آمریکایی به عربستان، نه‌تنها در شرایط بحرانی منطقه صورت می‌گیرد، بلکه در داخل ایالات متحده نیز سیاست ترامپ در خاورمیانه با چالش‌هایی در کنگره روبه‌رو شده است. به‌تازگی اکثریت نمایندگان کنگره به توقف فروش سلاح به عربستان سعودی رای دادند تا از این طریق فشارها بر ریاض را برای پایان جنگ یمن افزایش دهند؛ اما ترامپ اعلام کرده درباره همکاری‌های نظامی با عربستان به‌عنوان مهم‌ترین متحد ایالات متحده در خاورمیانه، تابع نظر کنگره نیست و می‌تواند از حق وتوی خود استفاده کند. رابطه واشنگتن و ریاض در ۱۶ ساله‌ی که نظامیان آمریکایی در این کشور حضور نداشتند، فرازوشیب‌های بسیاری داشته است. از یک سو، ورود عربستان به جنگ داخلی یمن که باعث کشته‌شدن هزاران غیرنظامی شد و اعتراض افکار عمومی جهان را برانگیخت و از سوی دیگر قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌کار منتقد عربستانی، در کنسولگری عربستان در استانبول ترکیه که طبق برآوردهای سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، محمد بن‌سلمان، شاهزاده جوان عربستان، آمر این قتل بود، باعث شد نمایندگان کنگره آمریکا خواستار تجدیدنظر در روابط نظامی واشنگتن با ریاض شوند؛ اما نه‌تنها ترامپ، بلکه ارتش آمریکا نیز همچنان عربستان را متحد استراتژیک واشنگتن در خاورمیانه می‌دانند و حفظ این اتحاد را مهم‌ترین شرط تأمین منافع ایالات متحده در

جهان



نظامیان آمریکا به عربستان اعزام می‌شوند

بازگشت به حجاز

عربستان اعزام خواهند شد. وزارت دفاع ایالات متحده همچنین اعلام کرده در توافق با مقام‌های عربستان، قرار است سیستم دفاع هوایی پاتریوت و جنگنده‌های «استیلت اف-۲۲» را برای تقویت نیروهای بازدارنده علیه عربستان در برابر تهدیدهای منطقه‌ای ارسال می‌کند. پیش از این و در ماه ژوئن نیز دولت آمریکا تأیید کرد قصد دارد حدود هزار پرسنل نظامی به خاورمیانه

مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در جهان – براساس تعداد نظامیان		
ژاپن	  	۵۶٬۲۱۳
آلمان	  	۳۵٬۲۲۰
کره جنوبی	  	۲۶٬۳۳۱
افغانستان	  	(جولای ۲۰۱۸) ۱۴٬۰۰۰
ایتالیا	  	۱۲٬۹۹۱
بریتانیا	  	۹٬۱۱۹
گوام	  	۶٬۲۴۲
عراق	  	(دسامبر ۲۰۱۷) ۵٬۲۰۰
اسپانیا	  	۳٬۳۴۶
سوریه	  	(دسامبر ۲۰۱۷) ۲٬۰۰۰
آمار ارائه‌شده از سوی پنتاگون تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۱۸		

اعزام کند؛ اما مشخص نکرد این نیروها در کدام کشورها مستقر خواهند شد.

استفاده ایالات متحده از پایگاه شاهزاده سلطان در سال‌های گذشته انتقادهایی را برانگیخته بود. از این پایگاه نه‌تنها در عملیات نظامی ایالات متحده علیه عراق در سال ۲۰۰۳ استفاده شده بود، بلکه در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ نیز نظامیان آمریکایی از این پایگاه استفاده می‌کردند.
باین‌حال فرماندهان پنتاگون کمی بعد از آغاز عملیات علیه حکومت صدام و در پی اعتراض‌های سیاسی داخلی در عربستان، استفاده از این پایگاه را محدود کردند و فرماندهی نیروهای خود را از عربستان به قطر انتقال دادند. در زمان جنگ عراق حدود ۲۰۰ هواپیمای نظامی آمریکا در پایگاه شاهزاده سلطان حضور داشتند و روزانه به‌طور میانگین دوهزارو ۷۰۰ عملیات از این پایگاه هدایت و اجرا می‌شد.

با گذشت حدود ۱۶ سال، شرایط تغییر کرد و در ماه آوریل ژنرال فرانک مک‌کنزی، فرماندهی مرکزی ایالات متحده، با اشاره به تهدیدهای ایران، خواستار آن شد تا تجهیزات و پرسنل نظامی آمریکا در خاورمیانه افزایش یابد که در نتیجه این درخواست، ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن روانه منطقه شد و بمبافکن‌های غول‌پیکر بی-۵۲ نیز در پایگاه هوایی العدید قطر مستقر شدند. ایالات متحده در حال‌حاضر علاوه بر قطر و عربستان، در عمان و بحرین نیز پایگاه نظامی دارد. افزایش حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه را باید چرخشی در استراتژی نظامی واشگتن در سال‌های اخیر دانست. در سال‌های پایانی ریاست‌جمهوری باراک اوباما، روسیه و چین به‌عنوان مهم‌ترین تهدیدها علیه امنیت ملی آمریکا تعیین شدند و بر همین اساس، استراتژی نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده از خاورمیانه به شرق آسیا متمرکز شد. در این سال‌ها، اوباما و پس از آن ترامپ تمایلی به درگیرشدن در تارامی‌های خاورمیانه ازجمله در افغانستان، عراق و سوریه از خود نشان نمی‌دادند و به کاهش نظامیان آمریکایی در خاورمیانه اقدام کردند؛ اما در ماه‌های اخیر و بر پی بالاگرفتن تنش میان تهران و واشگتن پس از خروج ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران و اعمال مجدد تحریم‌های نفتی علیه ایران، واشگتن برای تأمین منافع خود و متحدانش در خلیج فارس، دوباره توجه خود را معطوف به شاه‌را خلیج‌فارس کرده است.

«تاد» درراه عربستان

وزارت دفاع آمریکا در اقدام دیگری در راستای تقویت حضور نظامی خود در خاورمیانه، اعلام کرد شرکت «لاکهد مارتین»، بزرگ‌ترین تولیدکننده تجهیزات نظامی آمریکا، امتیاز عقد قراردادی به ارزش ۱٫۴۸ میلیارد دلار برای فروش سیستم‌های دفاع موشکی «تاد» به عربستان را به دست آورد. پنتاگون اعلام کرد این قرارداد جدید صلاحیه توافق‌نامه سابق در زمینه تولید سیستم دفاعی برای عربستان است و ارزش اجمالی قرارداد فروش سامانه داد را تا ۵٫۳۶ میلیارد دلار افزایش می‌دهد. سیستم دفاع موشکی تاد تفاوت‌هایی با سیستم دفاع موشکی پاتریوت دارد که مهم‌ترین آن، توانایی تاد در رهگیری و هدف قراردادن موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای در ارتفاع بیش از ۱۰ کیلومتر از سطح زمین است.

ردپای روسیه در فرایند انتخاب نخست‌وزیر آتی بریتانیا

جانسون زیر سایه کرملین

داشته است. براساس گزارش روتیزز، این شهروند روسه نیز به‌شخصه تأیید می‌کند که در دسامبر سال ۲۰۱۸ میلادی به گروهی از نمایندگان تندروی حزب محافظه‌کار پیوسته است که خواهان استعفاي تزا می بودند.روتیزز در ادامه می‌نویسد که لی کین، مدیر دفتر جانسون به درخواست‌های مکرر این خبرگزاری برای تأیید این خبر پاسخ نداده است؛ اما حزب محافظه‌کار با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد فهرست کمک‌های مالی به‌طور صحیح و روشن به کمیسیون انتخاباتی ارائه شده و آنها طبق قانون اساسی آن را منتشر کرده‌اند. این در حالی است که طبق آمارهای منتشرشده، تمرکو الکساندر تمرکو، از تاجران سلاح روسیه که با مقامات رده‌بالای کرملین در ارتباط است، یکی از حامیان مالی اصلی حزب حاکم بریتانیا یعنی حزب محافظه‌کار بوده و از دوستان نزدیک بوریس جانسون محسوب می‌شود. در این گزارش آمده است که تمرکو روابط بسیار نزدیکی با وزارت دفاع روسیه و سرویس امنیتی این کشور در دهه ۱۹۹۰ داشته و در هشت سال گذشته یک میلیون پوند به حزب محافظه‌کار بریتانیا کمک مالی کرده

است. همچنین از صاحب‌هایی که با رسانه‌های انگلیسی داشته، به گرمی از روابط دوستانه خود با جانسون سخن گفته است. به گفته تمرکو، زمانی که جانسون وزیر خارجه بریتانیا بوده است، او عصرها به دفترش در پارلمان بریتانیا می‌رفته و در بالکن این دفتر همراه با خوردن نوشیدنی با جانسون گفت‌وگو می‌کرده است. رابطه نزدیک تمرکو با دولت ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه و حضور او در عرصه سیاسی لندن، دقیقاً زمانی مطرح می‌شود که بسیاری از نمایندگان پارلمان بریتانیا نگران دخالت احتمالی مسکو در فرایند انتخاب نخست‌وزیر این کشور هستند و بر این نکته تأکید می‌کنند که روسیه درصدد خدشه‌ارکردن دموکراسی در بریتاناست. در این میان یکی از اعضای ارشد حزب محافظه‌کار تأکید می‌کند که تمرکو در تلاش برای سرنگونی دولت تزا می نقش فعالی



ادامه از صفحه ۲

فصل جدید آقای همیشه رئیس

شورای عالی امنیت ملی و اختلاف با رئیس دولت

سال ۸۳ ریاست لاریجانی بر صداوسیما پایان یافت و او به عنوان نماینده مقام معظم رهبری وارد شورای عالی امنیت ملی شد. یک سال بعد لاریجانی عزم خود را برای ریاست‌جمهوری جزم کرد. اما او‌که تا پیش از این در هیچ منصب انتخابی فعالیت نکرده بود، از بین هفت نامزد ششم شد. در همان سال به عنوان دبیر به شورای عالی امنیت ملی بازگشت تا علاوه بر عرصه داخلی به سیاست خارجی پا بگذارد. در این دوران، او مسئولیت برپونده هسته‌ای جمهوری اسلامی را بر عهده داشت و مذاکراتی در همین زمینه با مقامات غربی از جمله خاویر سولانا داشت. سولونا مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا بود. لاریجانی اما بعد از دو سال از این سمت استعفا کرد؛ استعفایی که با واکنش‌هایی بسیار همراه بود و ردی از اختلاف نظر با رئیس دولت وقت محمود احمدی‌نژاد داشت؛ اختلاف نظری که چند سال بعد به اختلاف عقیده جدی در عرصه سیاست تبدیل می‌شد. لاریجانی با استعفا از دبیری شورای امنیت پا به رقابت نمایندگی مجلس گذاشت. او از نامزدهای جبهه متحد اصولگرایان در مجلس هشتم بود. بعد از ورود به مجلس هم در رقابت درون حزبی توانست غلامعلی حدادعادل، رئیس پیشین مجلس، را شکست دهد و بر کرسی ریاست بنشیند. او تاکنون بعد از گذشت سه دوره و ۱۱ سال این کرسی را حفظ کرده است.

اما چالش‌های لاریجانی با احمدی‌نژاد از مجلس هشتم آغاز شد و در مجلس نهم به اوج خود رسید. این همان نقطه‌ای بود که او از اصولگرایان سنتی که از احمدی‌نژاد حمایت همه‌جانبه می‌کردند، فاصله گرفت. پانزدهم بهمن ۹۱ یا یکشنبه سیاه همان روزی بود که کشمکش‌ها به اوج رسید.

رئیس مجلس از سال ۸۶ با احمدی‌نژاد اختلاف داشت و در مجلس هم بارها نسبت به بی‌قانونی او انتقاد کرده بود. در آن روز استیضاح وزیر کار دولت دهم در دستور کار بود و تلاش‌های احمدی‌نژاد برای منتفی‌کردن آن نتیجه نداده بود. رئیس دولت در نهایت در مجلس حضور پیدا کرد و بعد از سخنرانی علیه لاریجانی قبلی را برادر او پخش شد. لاریجانی هم که گویا آماده پاسخ بود، نطقی علیه احمدی‌نژاد کرد و گفت حتی او ادبیات یک رئیس‌جمهور را ندارد. احمدی‌نژاد بعدها علیه دیگر برادران لاریجانی حرف‌های زیادی زد.

برجام، FATF و مجلس‌تک‌نفره

سال ۹۲ دولت حسن روحانی موسم به اعتدال که با حمایت‌اصلاح‌طلبان روی کار آمد، لاریجانی در مجلس اصولگرای نهم مواضع حمایتی نسبت به دولت اتخاذ کرد و معروف است توافق هسته‌ای در همین مجلس در ۲۰ دقیقه تصویب شد. این اتفاقات سبب شد در دوره دهم لاریجانی حتی در فهرست اصولگرایان برای مجلس جا نگیرد و نامش در لیست امید که از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان میانه‌رو تشکیل شده بود، دیده شود. در مجلس دهم هم برخی مواضع او به مذاق اصولگرایان و تندروها خوش نیامده است. عزم او به عنوان رئیس مجلس برای تصویب لوایح مرتبط با FATF حتی باعث شد که از سوی نماینده مشهد خانی خوانده شود. او کمی قبل‌تر یعنی سال ۹۶ هم در مراسم ختمی در جماران در کنار رئیس دولت اصلاحات نشست تا موجی از واکنش‌ها به سوی او برود. حتی برخی این اقدام را دورخیز برای ریاست‌جمهوری دانسته بودند. لاریجانی در اردیبهشت ۹۸ در مصاحبه با «همشهری» در همین زمینه درباره موج تخریب‌ها و مزوی‌شدن چهره‌های سیاسی همچون رئیس دولت اصلاحات گفت که «من خیلی باور ندارم این دست تخریب‌ها باعث انزوا می‌شود، چون گاهی این روند بیشتر برای افراد توجه ایجاد می‌کند». اما موضوع دیگر ریاست لاریجانی است. ریاست او در این سال‌ها در مجلس همواره منتقدانی از هر دو طیف داشته است. عده‌ای معتقد هستند او با داشتن فراکسیون مستقلین در مجلس دهم اتفاقات بهارستان را آن‌گونه که صلاح می‌دانند رقم می‌زند. این را یکی از نمایندگان اصولگرای مجلس دهم گفته بود. حتی علیرضا زاکانی، نماینده مجلس نهم، هم در برنامه تلویزیونی در سال جاری گفته بود مجلس «تک‌نفره» اداره می‌شود. با این همه، حتی محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید، بعد از سه سال رقابت توانست کرسی ریاست را تصاحب کند.

با این همه، حرکت علی لاریجانی در صحنه سیاسی ایران همچنان ادامه خواهد داشت. او خود را در انتخابات مجلس دهم مستقل معرفی کرده بود اما هنوز می‌تواند در طیف اصولگرا تعریف شود، یعنی جایی که خاستگاه اوست و سابقه فعالیت‌های او در عرصه‌های مختلف و مواضع کلی او نیز بر آن صحه می‌گذارد. باید منتظر ماند و دید این سیاست‌مدار ۶۲ ساله بار دیگر در بهارستان خواهد ماند، به مناصب انتصابی بازخواهد گشت، یا بعد از ۱۶ سال برای رسیدن به پاسور تلاش می‌کند.